مجله علوم پزشکی زانکو/ دانشگاه علوم پزشکی کردستان/ زمستان ۱۳۹۵/ ۴۵-۳۲

مقاله پژوهشی
(Original paper)

بررسی رابطه سبک‌های پردازش اطلاعات و ناگویی خلقی
(مطالعه موردی زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه)

سید مهدی حسینی مهدی آبادی[۱]، چنگیز رستمی[*۲]، یحیی یار احمدی[۳]

۱- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

۲- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان کامیاران، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران*

۳- استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

* آدرس مکاتبه: کامیاران، مرکز بهداشت و درمان: موبایل: ۰۹۱۸۱۷۰۸۵۲ پست الکترونیک: rostamy_ch59@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: ناگویی خلقی عبارت است از ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها، که بطور قابل توجهی با کیفیت زندگی افراد مرتبط است و از طرف دیگر تبیین رابطه ناگویی خلقی با سبک‌های پردازش اطلاعات (منطقی و تجربه‌ای) می‌تواند اطلاعات مفیدی را بدست بدهد. هدف این پژوهش، پیش‌بینی ناگویی‌خلقی بر مبنای سبک‌های پردازش اطلاعات دربین زنان تحت پوشش کمیته امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه بود.

مواد و روش کار: مطالعه حاضر از نوع توصیفی است که در بین ۳۲۹ نفر از زنان تحت پوشش کمیته امام خمینی(ره) شهر کرمانشاه به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های سیاهه منطقی- تجربه‌ای (ERI) و پرسشنامه آلکسی‌تایمیا (AI) جمع‌آوری شد. و سپس با روش تحلیل ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه با روش همزمان با استفاده از نرم افزار SPSS 20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک پردازش منطقی با ناگویی خلقی رابطه منفی و معناداری دارد و می‌تواند آن را پیش‌بینی کند؛ اما سبک پردازش تجربه‌ای هیچ رابطه معناداری با ناگویی خلقی نداشت. به عبارت دیگر با سطح بالای سبک پردازش می‌توان سطح پایین ناگویی خلقی را در افراد پیش‌بینی کرد.

نتیجه‌گیری: بنابراین پیشنهاد می‌شود در فعالیت‌های درمانی و حمایتی با در نظر داشتن نقش سبک‌های پردازش اطلاعات در کنار برنامه‌های حمایتی، جلسات درمانی فردی و گروهی برای این افراد اجرا گردد.

واژه‌های کلیدی: ناگویی‌خلقی، سبک پردازش منطقی، سبک پردازش تجربه‌ای

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

مقدمه

همه انسان‌ها در زندگی شخصی، تجربه‌های هیجانی دارند، اما تعدادی از افراد در پردازش و شناسایی هیجان‌های دیگران و تنظیم هیجان‌های خود دچار مشکل هستند (۱). این افراد به حالتی دچار می‌باشند که آلکسی تیمیا[1] نامیده می‌شود، آلکسی تایمیا سازه‌ای است، که برای اولین بار توسط سیفنوس[2] (۱۹۷۳) مطرح شد و عبارت است از ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها (۲). این سازه متشکل از دشواری در شناسایی و توصیف احساس‌ها و جهت‌گیری فکری بیرونی مشخص است. این مشخصه‌ها، که سازه آلکسی تایمیا را تشکیل می‌دهند، بیانگر نقایصی در پردازش شناختی و تنظیم هیجان‌ها هستند (۳). افراد مبتلا به آلکسی تایمیا تهییج‌های بدنی به‌هنجار را بزرگ می‌کنند و نشانه‌های بدنی انگیختگی هیجانی را بد تفسیر می‌کنند. اعتقاد بر این است که ناتوانی هیجانی عامل خطرسازی برای بسیاری از اختلال‌های روانپزشکی است؛ زیرا افراد مبتلا به این عارضه تحت فشار همبسته‌های جسمانی و هیجانی زیادی هستند که به کلام در نمی‌آیند. این نارسایی مانع تنظیم هیجان‌ها می‌شود و سازگاری موفقیت‌آمیز را دشوار می‌کند. افراد مبتلا به آلکسی تایمیا برای بیان احساسات خود دست به فعالیت‌های غیرکلامی مخربی می‌زنند، مانند: پاره کردن، تخریب و شکستن اشیاء، نوشیدن الکل و مصرف مواد مخدر (۴).

براساس یافته‌های حاصل از مطالعات پیشین، کفایت هیجانی و خصوصاً تنظیم هیجان، پیش‌بینی‌کننده مهمی از عملکرد مطلوب افراد و ارتقاء سلامتی است (۵). در مقابل، آلکسی تایمیا، که به عنوان ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها، تعریف شده است و توسط سه عامل؛ مشکل در تشخیص احساسات، مشکل در توصیف کلامی احساسات و تفکر عینی توصیف می شود، زمینه ساز ابتلا به بیماری و عامل پیچیده‌ای در مدیریت برخی بیماری‌های جسمانی می‌باشد (۶).

آلکسی تایمیا یا نارسایی هیجانی به عنوان یک پدیده هیجانی شناختی به اختلال خاص در کارکرد روانی اطلاق می‌شود که در نتیجه‌ی فرآیند بازداری خودکار اطلاعات و احساسات هیجانی به وجود می‌آید. برخی محققان اختلال در سیستم لیمبیک، جانبی شدن نابه‌هنجار مغز و یا اشکال در کارآمدی ارتباط بین نیمکره‌های مغز را در ایجاد آن موثر دانسته‌اند (۷). ویژگی‌های اصلی آلکسی تایمیا عبارتند از: ناتوانی در بازشناسی و توصیف کلامی هیجانی‌های شخصی، فقر شدید تفکر نمادین، که آشکارسازی بازخوردها، احساس، تمایل و سائق‌ها را محدود می‌کند، ناتوانی در به کارگیری احساسات به عنوان علایم مشکلات هیجانی، تفکر انتقادی در مورد واقعیتهای کم اهمیت بیرونی، کاهش یادآوری رویاها، دشواری در تمایز بین حالت‌های هیجانی و حس‌های بدنی، قیافه خشک و رسمی، فقدان جلوه‌های عاطفی چهره، ظرفیت محدود برای همدلی و خودآگاهی (۶). افراد مبتلا به آلکسی تایمیا، تهییج‌های بدنی به‌هنجار را بیش برآورد و نشانه‌های بدنی انگیختگی هیجان را بد تفسیر می‌کنند و درماندگی هیجانی را به وسیله شکایت‌های بدنی، نشان می‌دهند و در اقدامات درمانی نیز به دنبال درمان نشانه‌های جسمانی هستند (۸). نقص شناختی و هیجانی در آلکسی تایمیا، منجر به مشکلات گوناگون در سلامت روانی، بیماری‌های جسمانی و دیگر شرایط پزشکی می‌گردد. مطالعات مذکور نشان دادند که آلکسی تایمیا ارتباط قوی با وضعیت سلامت جسمانی و روانی فرد دارد (۹).

1 . Alexithymia
2 . Sifneos

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

در دهه‌های اخیر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های پردازش اطلاعات نیز تعیین‌کننده‌های مهم سازگاری روان‌شناختی هستند. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که دو نوع سبک پردازش در افراد وجود دارد (۱۰).

بر اساس نظریه‌ی شخصی شناختی- تجربه‌گرایی، دنیا از طریق دو نظام پردازش اطلاعات در افراد مفهوم سازی می‌شود: خردگرایی[3] و تجربه‌گرایی[4] یا شهودگرایی[5] اگر چه انسان‌ها ممکن است از هر دو سبک بهره‌مند شوند؛ اما آنها مستقل از هم هستند، چنین الگوهایی اغلب الگوهای پردازش دوگانه[6] نامیده می‌شوند (۱۱).

مفهوم پردازش اطلاعات به این نکته اشاره می‌کند که انسان هم مثل کامپیوتر بر روی تجسم‌های درونی و ذهنی خویش عملیاتی را انجام می‌دهد، یعنی از زمانی که اطلاعات از طریق حواس انسان دریافت می‌شوند (مرحله درونداد) تا زمانی که انسان به آن اطلاعات دریافتی پاسخ می‌دهد (مرحله برونداد)، اطلاعات توسط ذهن انسان کدگذاری و سازمان دهی می‌شود و تغییر می‌کند (۱۲). این فرایند از راه منطق، قوانین و راهبردهای اطلاعات صورت می‌گیرد و برونداد این فرایند به محدوده اطلاعات دریافتی وابسته است (۱۳).

این دیدگاه که انسان در فرایندهای شناختی از طریق مسیری تک- جهتی[7] عمل می‌کند، به نظریه‌های سنتی شناختی مربوط می‌شود. مسیر تک- جهتی به این معناست که عملکرد شناختی انسان با استفاده از فرایندی منطقی در پی کسب حداکثر لذت و حداقل رنج است (۱۴).

گوردون آلپورت[8] مفهوم سبک[9] را در سال ۱۹۳۷ وارد روان‌شناسی کرد. آلپورت معتقد بود که بر مبنای سبک‌های زندگی افراد می‌توان نوع شخصیت و رفتار آن‌ها را تشخیص داد. با بررسی مطالعات انجام شده در زمینه روان‌شناسی شناخت متوجه خواهیم شد که افراد در زمینه مسائل شناختی دارای تفاوت‌های فردی مهمی هستند. تفاوت سبک‌های شناختی را می‌توان از جمله این تفاوت‌ها دانست. با مروری بر تعاریف انجام شده از سبک‌های شناختی می‌توان مشاهده کرد که نظریه پردازان به جنبه‌های خاصی تاکید داشته‌اند که پردازش اطلاعات، رفتار ارگانیزم (یادگیری) و تعامل اجتماعی از این جنبه‌ها هستند (۱۵).

سبک خردگرایی سطوح بالایی از منابع شناختی را می‌طلبد و بیشتر کلامی، تحلیلی، آگاهانه و نسبتا کند است که از طریق قوانین منطقی استنتاج عمل می‌کند. این نظام، رفتارها را از طریق ارزیابی آگاهانه‌ی رویدادها میانجی‌گری می‌کند. در مقابل، سبک تجربه-گرایی یا شهودگرایی، فطری و انطباقی است و به ما این امکان را می‌دهد تا از تجربه یاد بگیریم. این نظام رفتارها را از طریق رمزگردانی پیامدهای قبلی، به ویژه آن تجاربی که بار هیجانی دارند، تحت تاثیر قرار می‌دهد. بدین‌صورت که از از هیجانات منفی اجتناب ورزیده و هیجانات مثبت را تسهیل می‌نماید. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نظام تجربه‌گرایی، ناآگاهانه، خودکار، بدون تلاش، شهودی و نسبتاً سریع و مرتبط با روابط بین شخصی و هیجانی است و بر طبق اصول اکتشافی عمل می‌کند. پردازش اطلاعات خردگرایی از طریق جستجوی فعال دانش به ویژه از طریق آموزش رسمی گسترش می‌یابد، در حالی که پردازش تجربه-

3 . Rationality
4 . Experientiality
5 . Intuitive
6 . Dual Process Models
7 . Single- direction

8. Gordon allport
9. Style

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

گرایی یا شهودگرایی از طریق تجارب زندگی گسترش می‌یابد (۱۶).

رفتار افراد هم از طریق تعامل این دو نظام پردازش خودکار و کنترل شده، تحت تاثیر قرار می‌گیرد. برنز[10] و د- زوریلا[11] رابطه‌ی معنی‌داری بین سبک‌های پردازش اطلاعات و اندازه‌های روان شناختی از جمله رضایت از زندگی و نشانه‌های افسردگی گزارش کرده‌اند (۱۷).

با توجه به مبانی نظری ناگویی خلقی، می‌توان فرض کردکه این سازه می‌تواند بطور قابل توجهی با سبک‌های پردازش اطلاعات رابطه داشته باشد و سبک‌های پردازش اطلاعات می‌توانند ناگویی‌خلقی را پیش‌بینی کنند. بنابر آنچه که بیان شد، وجود رابطه بین ناگویی‌خلقی و سبکهای پردازش اطلاعات، منطقی به نظر می‌رسد. از این رو، ما در این پژوهش به دنبال بررسی رابطه سبک‌های پردازش اطلاعات (منطقی و تجربه‌ای) و ناگویی‌خلقی هستیم. بنابراین مسئله اساسی که این پژوهش قصد بررسی آن را دارد، بررسی رابطه سبک‌های پردازش اطلاعات و ناگویی‌خلقی است.

مواد و روش کار

این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بوده. بدین منظور نمونه‌ها از بین زنان تحت پوشش کمیته امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ به روش نمونه‌گیری در دسترس با استفاده از جدول نمونه‌گیری مورگان انتخاب شدند. تعداد کل زنان تحت پوشش ۲۱۵۲ زن بودند که تعداد ۳۲۹ زن به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. در ابتدا مجوزهای لازم از مراجع اداری سازمان و اداره کمیته امداد امام خمینی استان کرمانشاه اخذ شد، سپس پرسشنامه‌ها بر روی آن‌ها اجرا گردید. قبل از درخواست از افراد برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، اطلاعات لازم در مورد اهداف پژوهش، پرسشنامه‌ها و نحوه پاسخ‌دهی به سوالات، به آن‌ها داده شد. همچنین به منظور جلب اعتماد آنان، به گمنام بودن پرسشنامه‌ها اشاره شد.

ابزار گردآوری

۱. پرسشنامه‌ی سبک‌های پردازش اطلاعات[12] : پاسینی و اپستین[13] در سال ۱۹۹۹ پرسشنامه‌ی خردگرایی- تجربه گرایی[14] (REI) را برای سنجش ترجیحات افراد در سبک‌های پردازش اطلاعات توسعه دادند (۱۸). این پرسشنامه شامل ۲۲ سئوال است و از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود تا عقاید خودشان درباره‌ی هر سئوال یا ماده را بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرتی (۱=کاملا مخالفم و ۵=کاملا موافقم) مشخص کنند. در این پرسشنامه برخی از سئوالات پرسشنامه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. رضایی در سال ۱۳۹۱ با استفاده از تحلیل عاملی، دو عامل را در این پرسشنامه شناسایی کرد (۱۹). تحقیقات انجام گرفته با این پرسشنامه به صورت همخوان نشان داده‌اند که هر دو مقیاس این پرسشنامه از همسانی درونی (α>۰/۸۵) و باز آزمایی (r>./۷۶) خوبی برخوردارند (۱۹). اسلاک[15]، بوند[16] و فلیپس[17] نیز در سال ۲۰۱۰ پایایی همسانی درونی یعنی آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برای مقیاس خردگرایی و ۰/۸۴ برای مقیاس تجربه‌گرایی را گزارش کرده‌اند (۱۸).

۲. پرسشنامه آلکسی تایمیا تورنتو-۲۰[18]: که یک آزمون ۲۰ سؤالی است و سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساس‌ها (شامل ۷ ماده)، دشواری در

10. Burns
11. D'Zurilla

12 . ERI
13 . Pacini & Epstein
14 . Rational- Experiential Inventory
15 . Sladek
16 . Bond
17 . Philip

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

توصیف احساس‌ها (شامل ۵ ماده) و تفکر عینی (شامل ۸ ماده) را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد. یک نمره کل نیز برای آلکسی تایمیا کلی محاسبه می‌شود. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس آلکسی تایمیا تورنتو-۲۰ در پژوهش‌های متعدد بررسی و تأیید شده است. در نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰، ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساس‌ها، دشواری در توصیف احساس‌ها و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۲/۸۵، ۰/۷۵و ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس این پرسشنامه است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد (۲۰).

یافته‌ها

تعداد ۳۲۹ نفر زن با میانگین سنی ۲,۲۸۷ ±۵۱,۳۳ در پژوهش حاضر شرکت نمودند. که ۳۵ نفر (۱۰,۶) آن‌ها بی‌سواد، ۲۶۲ نفر (۷۹,۶) زیر دیپلم، ۳۲ نفر (۹,۷) دیپلم بودند. اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل آمار توصیفی بر اساس میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه در جداول زیرآمده است.

جدول ۱: شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیر سن

سن	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
	۳۲۹	۵۱,۳۳	۲,۲۸۷	۳۲	۶۷

n=329

دامنه سنی افراد مورد پژوهش از ۳۲ تا ۶۷ سال بود و میانگین و انحراف استاندارد سنی این افراد به ترتیب ۵۱/۳۳ و ۲/۲۸۷ بود. متغییر مورد بررسی دیگر، سطوح تحصیلی افراد بود که نتایج اطلاعات توصیفی آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: فراوانی افراد نمونه بر حسب سطوح تحصیلی

سطح تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی
بی سواد	۳۵	۱۰,۶	۱۰,۶
زیر دیپلم	۲۶۲	۷۹,۶	۹۰,۳
دیپلم	۳۲	۹,۷	۱۰۰

تعداد زنان بی‌سواد، زیر دیپلم و دیپلم به ترتیب برابر با ۳۵، ۲۶۲، و ۳۲ نفر بود. تعداد زنان زیر دیپلم در این پژوهش بیشتر از دیگر گروه‌های تحصیلی بود و ۷۹/۶ درصد کل شرکت‌کنندگان را به خود اختصاص داد. همچنین از کل شرکت‌کنندگان تنها ۹/۷ درصد از افراد توانسته بودند مدرک دیپلم را کسب کنند.

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سبک پردازش منطقی	۳,۶۹	۰,۶۰۰
سبک پردازش تجربه‌ای	۳,۱۹	۰,۶۳۷
دشواری در شناسایی احساسات	۱,۷۴	۱,۴۹۸

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

دشواری در توصیف احساسات	۱,۸۷	۱,۱۲۸
تفکر عینی(تفکر برون‌مدار)	۱,۵۶	۰,۹۹۵

میانگین متغیرهای مورد پژوهش به عنوان معتبرترین شاخص گرایش مرکزی در جدول فوق قابل مشاهده است. برای مثال می‌توان دید که میانگین سبک پردازش منطقی با دامنه ۵-۱/۶ برابر با **۳,۶۹** بود. شاخص انحراف استاندارد نیز بیانگر میزان پراکندگی نمره‌ها حول میانگین است. برای مثال در جدول فوق می‌توان دید که نمرات «دشواری در شناسایی احساسات» (**۱,۴۹۸**) پراکنده‌تر از نمرات «تفکر عینی- تفکر برون‌مدار» (**۰,۹۹۵**) بودند.

آمار استنباطی پژوهش

سوال اصلی این پژوهش این بود که آیا سبک پردازش اطلاعات (منطقی و تجربی) می‌توانند ناگویی خلقی در زنان را پیش‌بینی کنند؟

در ابتدا برای بررسی رابطه‌ی سبک‌های پردازش اطلاعات با ناگویی خلقی، ضرایب همبستگی دو به دویی متغیرها با روش پیرسون تحلیل شد. نتایج این تحلیل در جدول زیر قابل مشاهده است. همانطور که مشاهده می‌شود، سبک پردازش منطقی با تمامی زیرمولفه‌های ناگویی خلقی رابطه معکوس و معنادار دارد و این رابطه در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. این یافته به این معناست که هرچه افراد اطلاعات را بیشتر بصورت منطقی پیش‌بینی کنند، از ناگویی خلقی کمتری برخوردارند. از طرف دیگر مشاهده می‌شود که سبک پردازش تجربه‌ای هیچ رابطه‌ی معناداری با زیرمولفه‌های ناگویی خلقی ندارد.

جدول ٤ – ٤ : ماتریس همبستگی متغییرهای ناگویی خلقی با سبک‌های پردازش اطلاعات

متغییر	۱	۲	۳	۴	۵
۱ سبک پردازش منطقی	۱				
۲ سبک پردازش تجربه‌ای	-۰/۱۰*	۱			
۳ دشواری در شناسایی احساسات	-۰/۲۲**	۰/۰۱	۱		
۴ دشواری در توصیف احساسات	-۰/۲۱**	۰/۰۳	۰/۳۹**	۱	
۵ تفکر عینی (تفکر برون مدار)	-۰/۳۱**	-۰/۰۷	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۱

*: P<۰,۰۵ ، **: P<۰,۰۱

برای بررسی این سوال پژوهشی، تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان انجام شد که نتایج اجرای سه مرتبه تحلیل رگرسیون در جدول ۳ دیده می‌شود. در این سه مرتبه تحلیل، دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات، و تفکر عینی (برون‌مدار) به ترتیب متغییر ملاک بودند.

جدول ۳ : خلاصه مدل ناگویی خلقی بر پایه سبک‌های پردازش اطلاعات

متغییر ملاک	متغییر پیش‌بین	R	R^2	F	معناداری	β	T	معناداری
دشواری در شناسایی احساسات	سبک پردازش منطقی	۰/۲۲	۰/۱۸	۱۵/۸۳۴	۰/۰۰۱	-۰/۲۱۵	-۳/۹۷۹	۰/۰۰۱
	سبک پردازش تجربه‌ای					۰/۰۴۶	۰/۲۶۴	۰/۷۱۳
دشواری در توصیف احساسات	سبک پردازش منطقی	۰/۲۱	۰/۱۳	۱۴/۴۴۸	۰/۰۰۱	-۰/۲۰۶	-۳/۸۰۱	۰/۰۰۱
	سبک پردازش تجربه‌ای					۰/۰۶۴	۰/۳۲۷	۰/۶۸۲

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

تفکر عینی(تفکر برون‌مدار)	سبک پردازش منطقی	۰/۲۸	۰/۲۰	۳۵/۵۶۶	۰/۰۰۱	-۰/۳۱۳	-۵/۹۶۴	۰/۰۰۱
	سبک پردازش تجربه‌ای				۰/۰۹۷	۰/۲۲۳	۰/۸۹۱	

فرضیه معنادار بوده است. F آماره آزمون می‌باشد و نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک پردازش اطلاعات منطقی به تنهایی می‌تواند ۵درصد از واریانس «دشواری در شناسایی احساسات» را بطور معنادار پیش‌بینی کند. در پرسشنامه سبک‌های پردازش اطلاعات، نمرات بالاتر نشان دهنده استفاده بیشتر از آن سبک پردازش خاص است و از طرف دیگر نمرات پایین‌تر در مولفه‌های ناگویی خلقی نشان از سطح ناگویی بالاتر است. بنابراین با توجه به این سبک نمره‌گذاری پرسشنامه‌ها، این یافته اینطور تفسیر می‌شود که افراد با سبک پردازش منطقی بالاتر، ناگویی خلقی کمتری دارند.

در تحلیل رگرسیون دوم فرضیه معنادار بوده است. F آماره ازمون می‌باشد و نشان می‌دهد که سبک پردازش منطقی به تنهایی می‌توانند ۴درصد از واریانس تغییرات «دشواری در توصیف احساسات» را پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر با سطح بالای سبک پردازش منطقی در افراد می‌توان میزان پایین‌تر «دشواری در توصیف احساسات» را در آن‌ها پیش‌بینی کرد.

در تحلیل رگرسیون سوم فرضیه معنادار بوده است. F آماره آزمون می‌باشد و نشان می‌دهد که سبک پردازش اطلاعات منطقی می‌تواند ۰/۱۰ از تغییرات «تفکر عینی- برون‌مدار» را پیش‌بینی کند. مقدار بتای معنادار در این تحلیل نشان می‌دهد که کسانی که سبک پردازش منطقی در آن‌ها حاکم است، از «تفکر عینی-برون‌مدار» کمتری رنج می‌برند.

بطور کلی این سه تحلیل نشان داد که سبک پردازش اطلاعات منطقی قادر به پیش‌بینی معنادار ناگویی خلقی است و بر اساس میزان سبک پردازش منطقی در افراد می‌توان میزان ناگویی خلقی در آن‌ها را پیش‌بینی کرد. با توجه به اینکه هرسه متغیر فقط ۰/۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند لازم است، علاوه براین سه متغیر، متغیرهای دیگری در پیش بینی ناگویی خلقی تاثیر دارند.

نتایج دیگر پژوهش نشان دادکه ضرایب همبستگی دو به دویی سبک پردازش منطقی با مولفه‌های ناگویی خلقی به شیوه پیرسون محاسبه شد. جدول ۴ نتایج اجرای تحلیل همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ٤: ماتریس همبستگی سبک پردازش منطقی با ناگویی خلقی

متغییر	۱	۲	۳	۴
۱ سبک پردازش منطقی	۱			
۲ دشواری در شناسایی احساسات	-۰,۲۲**	۱		
۳ دشواری در توصیف احساسات	-۰,۲۱**	۰,۳۹**	۱	
۴ تفکر عینی(تفکر برون‌مدار)	-۰,۳۱**	۰,۳۶**	۰,۴۱**	۱

* : P<۰,۰۵ ، ** : P<۰,۰۱

نتایج تحلیل همبستگی در جدول ۴ نشان می‌دهد که «سبک پردازش منطقی» با تمامی مولفه‌های ناگویی خلقی رابطه منفی و معنادار دارد. به عبارت دیگر رابطه بین آن‌ها به طوری است که استفاده بیشتر از سبک پردازش منطقی در زنان با ناگویی خلقی پایین‌تر همراه است. سبک پردازش منطقی بیشترین همبستگی را با

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

تفکر عینی (تفکر برون‌مدار) (۰/۳۱) دارد. از طرف دیگر کمترین ضریب همبستگی ارتباط نیز با دشواری در توصیف احساسات (۰/۲۱) برقرار است. البته لازم به ذکر است که تمامی روابط در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند.

از دیگر نتایج این پژوهش ضرایب همبستگی دو به دویی سبک پردازش تجربه‌ای با مولفه‌های ناگویی خلقی به شیوه پیرسون محاسبه شد. جدول ۵ نتایج اجرای تحلیل همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: ماتریس همبستگی سبک پردازش تجربه‌ای با مولفه‌های ناگویی خلقی

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱ سبک پردازش تجربه‌ای	۱			
۲ دشواری در شناسایی احساسات	۰,۰۱	۱		
۳ دشواری در توصیف احساسات	۰,۰۳	۰,۳۹**	۱	
۴ تفکر عینی(برون‌مدار)	-۰,۰۷	۰,۳۶**	۰,۴۱**	۱

* : P<۰,۰۵ ، ** : P<۰,۰۱

نتایج تحلیل همبستگی در جدول ۵ نشان می‌دهند که سبک پردازش اطلاعات تجربه‌ای با هیچکدام از مولفه‌های ناگویی خلقی همبستگی معناداری ندارد. با این وجود تحلیل رگرسیون پیش‌بینی هم معنادار نیست. به عبارت دیگر بر اساس سبک پردازش تجربه‌ای نمی‌توان از میزان ناگویی خلقی در افراد پیش‌بینی انجام داد.

بحث و نتیجه‌گیری

در حال حاضر آلکسی تایمیا به معنی ناتوانی نسبی در استفاده از کلام برای درک حالت‌های عاطفی خود و دیگران است. در ابتلا به آلکسی تایمیا نمی‌توانند از توانایی خود در به کارگیری کلام برای تنظیم و تعدیل عواطف استفاده کنند و متاسفانه این ویژگی در جامعه گسترش پیدا کرده است (۲۱). در پژوهش حاضر ارتباط و توانایی پیش بینی آلکسی تایمیا (دشواری در شناسایی احساسات، توصیف احساسات، و تفکر عینی یا برون‌مدار) و ابعاد آن در تغییرات مربوط به سبک‌های پردازش اطلاعات (منطقی و تجربی) مورد بررسی قرار گرفت.

پژوهش مورد نظر از لحاظ نظری در جهت تایید فرضیات نظریه خودشناختی تجربه‌ای قرار دارد. طبق تعریف، سبک پردازش بصورت روش ترجیحی انسان برای تفسیر، پردازش و واکنش به موقعیت‌ها تعریف شده است (۲۲). طبق مفروضات نظریه خودشناختی-تجربه‌ای، سبک‌های شناختی متفاوت، ادراکات و بازنمایی‌های متفاوتی از دنیا خواهد داشت. به این شکل که ممکن است انسان در پاسخ به موقعیت‌های پیرامون فقط از این جهت تجارب هیجانی گوناگونی داشته باشد که، با دو سبک شناختی متفاوت به محیط پاسخ می‌دهد (۲۳). از طرف دیگر اختلال در پردازش اطلاعات هیجانی نقش مهمی در شکل‌گیری ناگویی خلقی دارد و پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که افراد با ناگویی‌خلقی بالا نسبت به افراد با ناگویی‌خلقی پایین در تکالیفی که نیازمند هماهنگی محرک‌های هیجانی کلامی و غیرکلامی با پاسخ‌های هیجانی کلامی و غیرکلامی است، ضعیف‌تر عمل می‌کنند (۲۴).

رابطه سبک‌های پردازش اطلاعات با ناگویی خلقی را به این شکل می‌توان فرض کرد که اگر سبک

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

پردازش اطلاعات افراد بصورت فرایندمدار، منطقی و تحلیلی باشد، کمتر دچار اختلال در پردازش می‌شود و ناگویی خلقی کمتری در او به وجود خواهد آمد. این افراد اطلاعات را با سبکی تحلیلی پردازش می‌کنند و این باعث می‌شود که هماهنگی بیشتری در پردازش محرک‌های هیجانی کلامی و غیرکلامی داشته باشند و زمینه بروز ناگویی خلقی در آن‌ها فراهم نشود.

از طرف دیگر از آنجا که مبانی نظری نظریه خودشناختی- تجربه‌ای اعلام می‌کنند، سبک منطقی و تجربه‌ای با هم ارتباطی ندارند و بر این اساس در رابطه با ناگویی خلقی می‌توان اینطور استنباط کرد که سبک پردازش تجربه‌ای با ناگویی خلقی رابطه معناداری ندارد؛ زیرا کسانی که مبنای پردازش اطلاعات آن‌ها بصورت سریع، غیر تحلیلی و بر اساس رفتار و عملکردهای بازتابی است، نمی‌توانند هماهنگی لازم در پردازش هیجانی را برای ساماندهی عوامل مرتبط با ناگویی خلقی تامین کنند. بنابراین انتظار ما بر این بود که سبک پردازش تجربه‌ای با مولفه‌های ناگویی خلقی مرتبط نیست. در ادامه یافته‌های پژوهش بر اساس فرضیات پژوهشی، مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرند.

نتایج نشان دادند که سبک پردازش اطلاعات منطقی با تمامی مولفه‌های آلکسی تایمیا رابطه منفی و معنادار در سطح ۰/۰۱ دارد. یعنی هرچه افراد از سبک پردازش منطقی‌تری برخوردار باشند، در مقابل ناگویی خلقی کمتری در آن‌ها مشاهده می‌شود.

سبک پردازش منطقی قادر به پیش‌بینی معنادار «دشواری در شناسایی احساسات» است. بتای منفی در این تحلیل اینطور تفسیر می‌شود که افرادی که اطلاعات را بطور تحلیلی‌تر و فرایندمدارتر تحلیل می‌کنند، در مقابل در شناخت احساسات خود مشکل کمتری دارند. این افراد می‌توانند در موقعیت‌های مختلف به خوبی تشخیص دهند که چه نوع احساساتی دارند و احساساتی را که در زمان در آن‌ها در جریان است، به خوبی می‌توانند درک کنند.

همچنین سبک‌های پردازش اطلاعات منطقی می‌تواند «دشواری در توصیف احساسات» را پیش‌بینی کند. تفسیر ما از این یافته این است که افرادی که اطلاعات را بطور منطقی و با دخالت تفکر و تحلیل منطقی پردازش می‌کنند، بطور مناسب‌تری می‌توانند احساسات خود را توصیف کنند و در توصیف نوع احساسات و کم و کیف آن عملکرد بهتری دارند. به عبارت دیگر افرادی که پردازش اطلاعات را با در نظر گرفتن جوانب مختلف و بصورت تحلیلی و فرایند مدار انجام می‌دهند، در توصیف احساساتشان مشکلی ندارند و در موقعیت‌های مختلف می‌توانند آن را ابراز و تشریح کنند.

تفکر عینی (تفکر برون‌مدار) به عنوان سومین زیرمولفه ناگویی خلقی توسط سبک‌های پردازش اطلاعات منطقی قابل پیش‌بینی است و این سبک پردازش می‌تواند به تنهایی ۱۰ درصد از تغییرات آن را پیش‌بینی کند. این یافته به این معناست که افرادی که از واقعیت خود و دیگران تفسیری سازمان یافته و قاعده‌مند دارند، از تفکر صرفاً عینی و برون‌مدار کمتر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر این افراد در زندگی، تفکری بر اساس احساسات و هیجانات درونی و بیرونی دارند و به طور مطلوبی می‌توانند هیجانات خود را تنظیم و مدیریت کنند (۲۵).

با توجه به این مطالب مشاهده می‌شود که یافته‌های این پژوهش مبانی نظریِ نظریه خودشناختی-تجربه‌ای اپستاین (۲۰۰۸) را تایید می‌کند و از طرف دیگر مبانی نظری ناگویی خلقی را، مبنی بر ناتوانی در پردازش

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

شناختی[19] اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها، تایید می‌کند (۲۶).

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش بشرپور و همکاران (۲۷) همسو است. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند که افرادی که دارای ناگویی خلقی بالا هستند، در پردازش اطلاعات هیجانی مشکل دارند.

همچنین یافته‌های ما با نتایج پژوهش حاتمی و همکاران (۲۸) همسو است. در مجموع یافته‌های پژوهشِ حاضر با یافته‌های پژوهش شاه قلیان و همکاران (۵)، عیسی‌زادگان و فتح‌آبادی(۲۹)، سوارت، کورتکاس و آلِمان (۲۰۰۹)، (۳۰) بوسی[20](۱۹۹۷) همسویی دارد (۳۱).

تبیین دیگر پژوهش نشان دادند که سبک پردازش اطلاعات منطقی با تمامی مولفه‌های ناگویی خلقی رابطه دارد. همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، این روابط بصورت منفی بودند و سطح معناداری این روابط در سطح ۰/۰۱ قرار دارشت. روابط منفی بین سازه‌ها به این معناست که هرچه افراد از سبک پردازش منطقی بیشتری برخوردار باشند، در مقابل از ناگویی خلقی کمتری رنج می‌برند و بالعکس. بر اساس مبانی بنیادی روش تحقیق و تحلیل آماری همانطور که پیش‌تر گفته شد ما از این یافته‌ها استنباط علمی نداریم.

این پژوهش همچنین نشان دادکه سبک پردازش اطلاعات تجربه‌ای هیچ ارتباطی با مولفه‌های ناگویی خلقی ندارد، بنابراین سوال پژوهشی سوم ما رد نمی‌شود. سبک پردازش تجربه ای را می توان نیمه هشیار، خودکار، بدون تلاش، کلی، عینی، تداعی محور، شهودی و سریع معرفی کرد که با روابط بین فردی و هیجانی ارتباط دارد و بر اساس اصول اکتشافی عمل می کند و از طریق تجارب زندگی گسترش می یابد (۲۰).

بر اساس مبانی نظریه‌ی خودشناختی-تجربه‌ای اپستاین (۲۰۰۸) سبک‌های پردازش اطلاعات منطقی و تجربه‌ای یکدیگر را تکمیل می‌کنند اما آن‌ها دارای حیطه‌هایی جدا از هم هستند و از لحاظ رابطه همبستگی با هم ارتباط ندارند. یعقوبی در پژوهشی که بر روی ۴۶۷ دانشجو انجام داده بود به این یافته دست یافت که سبک پردازش منطقی هیچ ارتباط معناداری با سبک پردازش تجربه‌ای ندارد (۳۲).

لذا با توجه به عدم وجود ارتباط آماری معنادار بین سبک منطقی و تجربه‌ای و وجود رابطه معنادار بین سبک پردازش منطقی و ناگویی خلقی این یافته توجیه‌پذیر است که سبک پردازش تجربه‌ای با ناگویی خلقی رابطه نداشته باشد.

پیش‌تر گفته شد که سبک پردازش تجربه‌ای، سبکی کمترین نیاز را به منابع شناختی دارد (۲۵)، با توجه به این ویژگی سبک تجربه‌ای می‌توان یافته پژوهش حاضر را توجیه کرد، زیرا ناگویی خلقی سازه‌ای است که به شدت با پردازش شناختی در ارتباط است.

سبک پردازش منطقی و تجربه‌ای از لحاظ شناختی با یکدیگر همپوشانی دارند و مکمل یکدیگرند اما این دو نوع سبک پردازش از لحاظ عملکردی دو حیطه مجذا دارند و عملکردی متفاوت دارند. مبانی نظری بیان می‌کنند که این دو سبک پردازش اطلاعات ارتباط معناداری با یکدیگر ندارند و این نشان دهنده دو حوزه متفاوت عملکرد است که در پژوهش حاضر نیز این مبنای نظری رد نشد، به عبارت دیگر بین سبک پردازش منطقی و تجربه‌ای رابطه‌ای معنادار وجود نداشت.

19.Cognitive processing
20.Bussi

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

اما عدم وجود رابطه بین سبک پردازش تجربه‌ای و ناگویی خلقی به این صورت قابل تبیین است که، وجود رابطه قابل توجه بین سبک پردازش منطقی و ناگویی خلقی نشان می‌دهد که ناگویی خلقی سازه‌ای است مرتبط و قابل تبیین از طریق سبک پردازش منطقی؛ بنابراین با توجه به حیطه عملکرد متفاوت سبک پردازش منطقی با سبک پردازش تجربه‌ای، این یافته منطقی به نظر می‌رسد که ناگویی خلقی توسط سبک پردازش تجربه‌ای قابل تبیین نباشد.

از طرف دیگر همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، ناگویی خلقی سازه‌ای است که با هیجانات و احساساتی مرتبط است که در موقعیت‌های هیجانی مختلف فرد باید قادر به توصیف، شناسایی و تفکر عقلانی درباره آن‌ها باشد، به‌علاوه توصیف، شناسایی و تفکر عقلانی نیز همانطور که گفته شد با سبک پردازش منطقی امکان‌پذیر است و با سبک پردازش تجربه‌ای رابطه‌ای ندارد.

در پژوهش‌های پیشین پژوهشی در دست نیست که سبک پردازش تجربه‌ای را سنجیده باشد اما با توجه به ارتباط کم سبک پردازش تجربه‌ای با منابع شناختی، پژوهش‌هایی که رابطه سبک‌های پردازش مبتنی بر منابع شناختی را با ناگویی خلقی سنجیده باشند در دست هستند، و تایید کننده یافته ما در این پژوهش می‌باشند. بنابراین یافته‌های این پژوهش با فرضیات پژوهش‌های شاهقلیان، مرادی و کافی (۵)؛ عیسی‌زادگان و فتح‌آبادی (۲۹)؛ حاتمی و همکاران (۲۸)؛ بشرپور و همکاران (۲۷)؛ بوسی (۳۱)؛ تایلر و باگبی (۸)؛ اپستاین (۲۰۰۸)؛ سوارت، کورتکاس و آلِمان (۳۰) همسو است.

شیوه نمونه‌گیری مطالعه حاضر که به شیوه در دسترس بود و همچنین شرایط خاص زندگی زنان سرپرست خانواده تحت پوشش کمیته امام خمینی (ره) می‌تواند در کیفیت سبک‌های پردازش اطلاعات و ناگویی خلقی موثر باشد. در تعمیم نتایج به گروه‌های نمونه غیر زنان سرپرست خانواده، باید احتیاط لازم را داشت؛ زیرا ممکن است این عوامل نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار داده باشند. به طور کلی با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که در بخش‌های مرتبط با درمان مشکلات روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار، مراکز خدمات روانشناختی و روان‌درمانی در نظر گرفته شود تا درمان‌ها و راهنمایی‌های روانی نیز انجام شود تا کیفیت زندگی افراد افزایش یابد و بیماران بتوانند بهتر با شرایط خاص‌شان کنار بیایند و به سازگاری بیشتری در زندگی دست یابند.

References

1. Thorberg FA, Young RM, Sullivan KA, Lyvers M. Alexithymia and alcohol use disorders: a critical review. Addict Behav Rep. 2009;34(3):237-45.
2. Heshmati R. Identification symptoms in psychotic disorders: disorders, schizophrenia, major depression and bipolar mood. J Appl Psychol. 2010; 4 (12): 21-39.
3. Luminet O, Vermeulen N, Demaret C, Taylor GJ, Bagby RM. Alexithymia and levels of processing: Evidence for an overall deficit in remembering emotion words. J Adv Lab Res Biol. 2006;40(5):713-33.
4. Karami J, Zkyee A, Amirpor B. Comparison of alexithymia in patients with renal, students and nurses of Kermanshah. J Qazvin Uni Med Sci. 2015; 18(1).

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

5. Shahgholian M, Moradi A, kafee S. Investigate the relationship between alexithymia and emotional expression styles and general health of students. Iran J Psychiatry. 2008; 13 (3): 238-48.
6. Basharat MA. The relationship between alexithymia with defense styles ego. J Appl Psychol. 2009; 10 (3): 181-90.
7. Mazaheri M, Afshar H. The association of alexithymia with depression and anxiety in psychiatric patients. J Behav Health Serv Res. 2011; 12 (2): 9-47.
8. Taylor GJ, Bagby RM. New trends in alexithymia research. Psychother Psychosom. 2004;73(2): 68-77.
9. Dubey A, Pandey R, Mishra K. Role of Emotion R Emotion R Emotion Regulation Difficulties and P iculties and P iculties and Positive/Negative Affectivity in Explaining Alexithymia-Health Relationship: An overview. J Soc Sci Res. 2010;7(1): 20-31.
10. Sloman SA. The empirical case for two systems of reasoning. Psychol Bull. 1996;119(1):3.
11. Epstein S, Pacini R. Some basic issues regarding dual-process theories from the perspective of cognitive-experiential self-theory. Dual-process theories in social psychology. 1999; 462-82.
12. Shirzadifard M. Information processing styles, perceptions of parent-child relationships and mental well-being: the mediating role of basic beliefs. Master's thesis. Faculty of Psychol Edu Sci of Tehran Uni.2012.
13. Mohseni N. Theories in developmental psychology: cognition, social cognition, cognition and emotions. Tehran: Jajarmi. 2012.
14. Epstein S. Intuition from the perspective of cognitive-experiential self-theory. Intuition in judgment and decision making. 2008; 23-37.
15. Lotfi Sh. The relationship between information processing styles and personality traits with psychological well-being. Master's thesis. Faculty Psychol and Edu Sci Tehran Uni. 2013.
16. Epstein S. Integration of the cognitive and the psychodynamic unconscious. Am Psychol. 1994;49(8):709.
17. Burns LR, D'Zurilla TJ. Individual differences in perceived information processing styles in stress and coping situations: Development and validation of the Perceived Modes of Processing Inventory. Cog Therapy Res. 1999; 23(4): 345-71.
18. Epstein S. Integration of the cognitive and the psychodynamic unconscious. Am Psychol. 1994;49(8):709.
19. Rezaee A. Factor structure and reliability intuitive-rational information processing styles of students in the community. J Behav Sci, 2012; 10: 20-2.
20. Bagby RM, Taylor GJ, Parker JD. The twenty-item Toronto Alexithymia Scale-II. Convergent, discriminant, and concurrent validity. J Psychosom Res. 1994;38(1):33-40.
21. Griffith JL. Disorders of affect regulation: Alexithymia in medical and psychiatric illness. Elsevier; 1998.
22. Epstein S. Integration of the cognitive and the psychodynamic unconscious. Am Psychol. 1994;49(8):709.
23. Epstein S. Intuition from the perspective of cognitive-experiential self-theory. Intuition in judgment and decision making. 2008; 23-37.
24. Lane RD, Lee S, Reidel R, Weldon V, Kaszniak A, Schwartz GE. Impaired verbal and nonverbal emotion recognition in alexithymia. Psychosom Med. 1996;58(3):203-10.
25. Taylor GJ. Recent developments in alexithymia theory and research. Can J Psychiatry. 2000;45(2):134-42.
26. Taylor GJ. Recent developments in alexithymia theory and research. J Can J Psychiatry. 2000;45(2):134-42

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

27. Basharpoor S, Tolouei M, Olya A, Narimani M, Attadukht A. Emotional processing styles and alexithymia with borderline personality disorder. J Babol Uni Med Sci. 2015; 16 (7): 55-62
28. Hatami J, Khorshede MM, Bahrami E, Rahimi H, SadedAli S, Hatami, Amyerjlal H. Processing and mood levels consistent role in recognizing the emotional words in people with alexithymia. J Appl Psychol. 2014; 1 (25): 69-83
29. Esyzadgan A, Fathabadi A. The role of cognitive emotion regulation strategies and public health in alexithymia. Am Psychol Asso. 2013; 8 (31): 259-69
30. Swart M, Kortekaas R, Aleman A. Dealing with feelings: characterization of trait alexithymia on emotion regulation strategies and cognitive-emotional processing. PLoS One. 2009;4(6):e5751.
31. Bucci W. Symptoms and symbols: A multiple code theory of somatization. Psychoananl Inq. 1997;17(2):151-72.
32. Yaghoobi K. Relationship management strategies of life in students with information processing styles with the mediating role of basic beliefs. Master's thesis, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Quchan Branch.2014

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]

Original paper

Evaluation of the Relationship between Information Processing Styles and Alexithymia (Case study covered women in Kermanshah Imam Khomeini Relief Foundation)

Seyed Mehdi Hoseini MehdiAbadi [1], Changiz Rostami[*], Yahya Yarahmadi [3]
1. M.A in Psychology, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran.
2. MSc in Psychology, Health Care System city of Kamyaran, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran
3. Assistant of Professor in Department of Phycology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Abstract

Backgrounds and Aim: Alexithymia is an important psychological component that significantly associated with quality of lifestyle and on the other hand explains the relationship between alexithymia and information processing styles so it can provide useful information. The aim of this study was to investigate information processing styles with alexithymia among women who were covered by the Committee of Imam Khomeini (RA) in Kermanshah**.**

Material and Methods: In this cross – correlation study 329 women by the charity of Imam Khomeini for sampling was conducted in Kermanshah, logical inventory data through questionnaires experience (ERI) and questionnaire alexithymia (AI) were collected, And then analyzed by using Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis at the same time using spss20

Results: The results showed that the logical processing style has a negative correlation with alexithymia even though can predict it, but light processing experience had no significant correlation with alexithymia. In other words, those with high processing lower alexithymia level can be predicted.

Conclusion: Therefore recommending individual or group mentoring programs besides supporting and treatment activities by regarding to the information processing styles.

Keywords: Alexithymia, logical processing styles, Experience

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-13]